



هرگاه سخن از «تورم» است، بحث «تثبیت قیمت» نیز به میان می‌آید. منظور از تثبیت قیمت، یعنی افزایش ملایم و آرام قیمت‌ها و جلوگیری از افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها [دولت‌شاهی، ۱۳۸۲: ۲۸۴]. دولت‌ها معمولاً به منظور ایجاد انگیزه در بخش تولید، سعی می‌کنند قیمت‌ها را ثابت نگه دارند. برخی از اقتصاددانان معتقدند که ثبات قیمت، شرط لازم برای رونق و رشد اقتصادی است و با افزایش قیمت به میزان دو تا سه درصد، سرمایه‌گذاری نیز افزایش می‌یابد [تفصلی، ۱۳۶۸: ۲۷].

در این مقاله سعی کرده‌ایم خوانندگان گرامی را با مفهوم اقتصاد از منظر برخی از اقتصاددانان آشنا سازیم. مفهوم تورم با توجه به دیدگاه اندیشمندان متفاوت است. در این جا مفهوم تورم از دو دیدگاه پولیون و ساختارگرایان مطرح می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تورم، گرانی، قدرت خرید، ثبات قیمت، تحلیل اقتصادی، پولیون، ساخت‌گرایی

تورم چیست؟

براساس دیدگاه‌های مختلف، از تورم تعاریف متعددی ارائه شده است. بنابر نظریه پولیون، «تورم عبارت است از مازاد قدرت خرید (یا وسایل پرداخت). هنگامی که قدرت خرید مردم از مقدار عرضه بیشتر است، زمینه افزایش قیمت فراهم می‌شود.» برای دانش‌آموزان این موضوع را می‌توان با یک مثال ساده بیان کرد. مثلاً فرض کنید یک مرتبه مقدار زیادی پول نقد به خانه شما آورده شود. در این صورت آیا باز هم تلاش می‌کنید که از اتوبوس برای حمل و نقل استفاده کنید یا تاکسی در بست سوار می‌شوید؟ حالا شما به راحتی می‌توانید کرایه تاکسی اختصاصی را بپردازید. فرض کنید چنین تزریق پولی در جامعه اتفاق بیفتد، ولی هیچ کالای جدیدی تولید نشده باشد. افراد برای اینکه نسبت به دیگران، زودتر کالا و خدمات خود را تهیه کنند، قیمت بالاتری پیشنهاد می‌کنند.

از دیدگاه پولیون، تورم از نبود تعادل بین مقدار پول نقد در دست مردم و مقدار پولی که برای انجام معاملات نیاز است، به وجود می‌آید. اگر تورم «فرایند افزایش مداوم قیمت‌ها و در مقابل کاهش مداوم قدرت خرید پول» تعریف شود [Laidher, 1975: 751]، این تعریف به علائم تورم اشاره دارد و از علل تورم صحبت نکرده است. می‌دانیم که افزایش بهای تعدادی از کالاها، با کاهش قیمت تعدادی دیگر، خنثی می‌شود و در این صورت، سطح عمومی قیمت تغییر نمی‌کند. با یک بار افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها، تورم رخ نداده است، مگر اینکه در طول زمان این افزایش ادامه یابد و در مقابل، درآمدها نیز به همان درصد تورم افزایش نیابد و قدرت خرید کاهش پیدا کند. پس تورم «تنزل مداوم در قدرت خرید پول به دلیل افزایش مداوم قیمت‌هاست، در صورتی که درآمد تغییر نکرده باشد».

دیدگاه ساختارگرایان درباره تورم

ساختارگرایان معتقدند که آگاهی از علل و نتایج تورم نمی‌تواند به تحلیل اقتصادی بینجامد. زیرا این پدیده با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مرتبط است و می‌تواند پدیده ساختاری باشد [Hirsch & Gold Thorp, 1987: 11]. انسان استدلال می‌کنند در اقتصادهایی که با تنگناهای ساختاری مواجه هستند، تلاش برای حصول رشد سریع، به ناچار موجب تورم می‌شود. این تنگناها ریشه در وجوه بنیادی مشخصه اقتصادی، نهادها و ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد؛ مانند تورم کشورهای آمریکای لاتین که با تغییر رویکرد «اقتصاد درون‌گرا مبتنی بر بازار داخلی» به اقتصاد «برون‌گرای مبتنی بر صادرات» در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رخ داد.

تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی - اجتماعی را که برای رشد اقتصادی ضروری است، نمی‌توان با سازوکار قیمتی در ساختار بازارهای ناقص جست‌وجو کرد. تنگناهایی که ساختارگرایان برای کشورهای توسعه‌نیافته برمی‌شمارند، عبارت‌اند از عرضه بی‌کشش صنایع غذایی، محدودیت ارزش خارجی و محدودیت بودجه و سرمایه‌گذاری.

آشنایی با مفهوم تورم، انواع و علل آن
... که دخلت بوده او خرج ۲۰
ماهیت تورم و عوارض آن

زهرا آقایی

کارشناس ارشد اقتصاد و دبیر دبیرستان‌های تهران

«عرضه بی‌کشش صنایع غذایی» زمینه‌ساز تورم است، زیرا تنگنای بخش کشاورزی نمی‌تواند نیاز شهرنشینی رو به رشد را تأمین کند و ضعف در عرضه مواد غذایی ناشی از حاکمیت زمین‌داری غیر سرمایه‌داری در مقیاس وسیع است که به دنبال حداکثر کردن سود نیست. از طرف دیگر، خرده مالکانی که تقریباً در سطح تأمین معاش عمل می‌کنند، به سختی با اقتصاد بازار هم‌گام می‌شوند. محدودیت مهم دیگر «ارز خارجی» است. به این معنی که دریافت‌های ارزی برای تأمین واردات کافی نیست و کمبود واردات و عرضه داخلی، قیمت‌ها را افزایش می‌دهد. قیمت‌های روبه رشد کالاهای وارداتی به افزایش تراکمی قیمت‌ها می‌انجامد.

محدودیت ساختاری دیگر، «نبود منابع مالی داخلی» (کسری بودجه دولت) است. برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای به دخالت دولت در اقتصاد نیاز است، اما درآمدهای دولت برای تأمین مخارج این برنامه‌ها کافی نیست. معمولاً نظام مالیاتی این کشورها ناکارآمد است و با استقراض از بانک مرکزی و نشر اسکناس بدون پشتوانه، مخارج تأمین می‌شود. همین موضوع تورم را در پی دارد.

اقتصاددانان «دانشگاه کمبریج» چهار نوع تورم معرفی کرده‌اند:

۱ تورم متعادل یا عادی: به معنی افزایش دائمی و آرام سالانه قیمت‌هاست که بیشتر در کشورهای سرمایه‌داری وابسته اتفاق می‌افتد و نرخ رشد تورم بین سه تا چهار درصد است.

۲ تورم گسترده: که بین کشورهای آمریکای لاتین و اکثر کشورهای دارای نظام شبه سرمایه‌داری وابسته رایج است. نرخ تورم در این کشورها بین ۱۰ تا ۵۰ درصد نوسان دارد.

۳ تورم حاد (افسار گسیخته): نرخ تورم حاد بیش از ۵۰ درصد است. هرچند که عمر این تورم زیاد نیست، ولی آثار زیانبار آن موجب سقوط نظام پولی کشور می‌شود.

۴ تورم پنهان: این نوع تورم غالباً در کشورهای دارای نظام اطلاعاتی ناقص و بدون رسانه‌ها، مانند کشورهای کمونیستی، به‌ویژه کوبا و کره شمالی رخ می‌دهد. در این کشورها، چون از اقتصاد با برنامه‌ریزی در تنظیم بازار تبعیت می‌شود، از سیگنال‌های درست قیمتی در بازار خبری نیست و غالباً با دستکاری در اطلاعات آماری، نرخ تورم واقعی مشخص نمی‌شود [وزیری، ۱۳۸۳: ۲۸۳].

به‌طور کلی می‌توان علل اقتصادی تورم را در سه گروه دسته‌بندی کرد:

● **فزونی تقاضا نسبت به عرضه:** که مهم‌ترین شکل آن به دلیل کسر بودجه دولت و افزایش هزینه‌های دولت، به صورت تزریق پول به شکل‌های متفاوت به جامعه اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر، ناشی از افزایش قدرت خرید نسبت به امکانات تولید است (سیاست پولی انبساطی).

● **کمبود عرضه در بخش کشاورزی و صنعت:** که در اغلب کشورهای با اقتصاد وابسته به واردات (کسری تر از پرداخت‌های خارجی) دیده می‌شود.

● **علل روانی:** در جامعه به دلیل بدبینی و عدم اعتماد به وضع اقتصاد، تقاضاهای غیر معمول افزایش می‌یابند. دیده می‌شود افراد بدون نیاز به کالای خاصی، برای خرید آن به مغازه‌ها هجوم می‌آورند؛ چون ممکن است در آینده نایاب شود و یا قیمت افزایش یابد. با کمی دقت درمی‌یابیم که این پدیده در چند ماه قبل از عید نوروز رخ می‌دهد. مردم به استقبال تورم می‌روند و پیشاپیش اذعان می‌کنند که این اجناس پس از نوروز گران‌تر می‌شوند.

عوارض تورم

از مهم‌ترین نتایج تورم بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد، عدم اطمینان به آینده و کاهش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و بدتر شدن کسری تراز پرداخت‌های خارجی است.

دیدگاه پولیون برای مهار تورم

طرفداران مکتب پولی معتقدند بهترین راه مهار تورم جذب نقدینگی و سوق دادن آن به سمت سرمایه‌گذاری مولد است. دولت به این منظور اوراق قرضه یا مشارکت منتشر می‌کند و در جهت سرمایه‌گذاری، دوباره این وجوه به جامعه باز می‌گردد؛ مثل پرداخت یارانه به تولیدکنندگان. از این طریق کمبود عرضه که یکی از دلایل عمده تورم است، برطرف می‌شود.



منابع

۱. دولت‌شاهی، طهماسب، مبانی علم اقتصادی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۲.
۲. تفضلی، فریدون. اقتصاد کلان. بی‌نام. تهران، ۱۳۶۸.
۳. Laidler, Parkin (۱۹۷۵).
۴. Hirsch, & Goldthorp (۱۹۸۷).
۵. وزیر، حمیدرضا، کلیات علم اقتصاد. عشق دانش. تهران، ۱۳۸۳.